آمادگی دانشگاه‌ها برای اجرای طرح آمایش آموزش عالی

معاونان آموزشی دانشگاه‌ها در بیانیه پایانی پنجاهمین نشست معاونان آموزشی، آمادگی خود را برای مشارکت فعالانه در پیشبرد و اجرای طرح آمایش آموزش عالی، حرکت در مسیر مأموریت گرایی و رفع مشکلات محلی، استانی، منطقه‌ای و ملی، برحسب مأموریت‌های تعیین شده، ابراز داشتند.

پنجاهمین همایش معاونان آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور هیجدهم و نوزدهم مردادماه ۱۳۹۶ به میزبانی دانشگاه پیام نور و با محوریت «آموزش عالی؛ کیفیت و تحول» و با رویکرد توجه به احکام برنامه ششم توسعه برگزار شد و در این نشست، وضعیت موجود و چالش‌های پیش روی آموزش عالی کشور، ضرورت تأمل در کارکردهای دانشگاه و آموزش دانشگاهی، مطالعه تطبیقی نقش دولت در توسعه آموزش عالی؛ جایگاه علوم انسانی، نظام سنجش و پذیرش دانشجو، راهکارهای ارتقاء مراکز آموزش عالی، چالش‌ها، راهکارها و راهبردهای ارتقاء کیفیت، مدیریت منطقه‌ای و استقرار سامانه آموزش عالی(HES) توسط صاحب نظران مدعو مطرح و دیدگاه‌های معاونان آموزشی شرکت‌کننده در همایش درخصوص هریک از مباحث مطروحه احصاء شد.

بر اساس این گزارش، شرکت کنندگان در این همایش ضمن تأیید اقدامات مسئولانه اخیر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درخصوص ساماندهی و قانونمند کردن گسترش دانشگاه‌ها، رشته محل‌ها و مقاطع تحصیلات دانشگاهی و اظهار امیدواری نسبت به هماهنگی و همسویی دانشگاه آزاد اسلامی با سیاست‌ها و مصوبات شورای گسترش آموزش عالی، آمادگی خود را برای مشارکت فعالانه در پیشبرد و اجرای طرح آمایش آموزش عالی، حرکت در مسیر مأموریت‌گرایی و رفع مشکلات محلی، استانی، منطقه‌ای و ملی، برحسب مأموریت‌های تعیین شده، ابراز داشتند.

در مقدمه این بیانیه آمده است: تحقق مطلوب و بهینه طرح آمایش با هدف توسعه هدفمند آموزش عالی، استفاده بهینه از امکانات، افزایش بهره‌وری، پاسخگویی به نیازهای جامعه و رفع معضلات کشور، ساماندهی مؤسسات آموزش عالی و... مستلزم توجه و التزام به معنا و مفهوم استقلال دانشگاه است. استقلال نه به معنای مستقل و جدا شدن از قوانین و ساختارها، بلکه به مفهوم التزام داشتن به روش علمی، استقلال در خردورزی، سفارشی کار نکردن و نتایج دریافت‌های علمی خود را آزادانه ارائه کردن و پاسخگو بودن، که عملیاتی شدن این مفهوم و رسیدن به نتایج مطلوب از اجرای طرح آمایش آموزش عالی ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه از آزادی عمل لازم درخصوص مؤلفه‌های دروندادی و فرآیندی آموزش دانشگاهی همچون پذیرش دانشجو، جذب هیئت علمی، تدوین برنامه‌های درسی و تنظیم مقررات آموزشی برخوردار باشند.

معاونان آموزشی دانشگاه‌ها در بیانیه پایانی این نشست بر انجام و پی گیری موارد مشروحه زیر، توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تاکید کردند:

یکم: در ادامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های سطوح (۱) و (۲)، نسبت به توسعه دامنه این اختیار به دیگر دانشگاه‌ها از یک سو و واگذاری دیگر اختیارات ممکن به مدیریت‌های منطقه‌ای و دانشگاه‌ها از سوی دیگر، اقدام نمایند.

دوم: اصلاح و بازنگری در مقررات و قوانین مربوط به سنجش و پذیرش دانشجو را با رویکرد واگذاری اختیار پذیرش دانشجو به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی در دستور کار قرار دهند.

سوم: با توجه به محدودیت‌های حاکم بر فرآیند جذب هیئت علمی در شرایط کنونی و مشکلات مترتب بر آن، از شورای عالی انقلاب فرهنگی درخواست شود که با رویکرد اعتماد به دانشگاه‌ها - با توجه به تجارب موفق که درخصوص جذب هیئت علمی مورد نیاز اندوخته‌اند - نسبت به اصلاح وضعیت موجود فرایند جذب اقدام نمایند.

چهارم: با توجه به طولانی بودن فرآیند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی در شورای تحول علوم انسانی از یک سو، و کارآمدی، تعهد و شناخت اعضای کار گروه علوم انسانی شورای عالی برنامه‌ریزی از سوی دیگر، از شورای تحول درخواست شود، نسبت به سرعت بخشیدن به اقدامات و وظایف محوله و انجام هماهنگی‌های لازم با بدنه هیئت علمی پیشکسوت و صاحب‌نظر علوم انسانی اقدام نمایند.

معاونان آموزشی شرکت‌کننده در نشست با قدرشناسی از دولت و مجلس شورای اسلامی برای تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، آمادگی خود را برای همکاری و مشارکت در ریشه یابی علل و عوامل انحراف از معیارهای اخلاقی در فعالیت‌های علمی و مواجهه با آنها، با هدف محو اینگونه بداخلاقی‌ها که حیثیت دانشگاه و آموزش عالی کشور را خدشه دار ساخته است، اعلام کردند.

با هدف تقویت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی مناطق کم‌برخوردار، شرکت‌کنندگان در همایش همچنین آمادگی خود را برای همکاری با آنها در جهت تأمین هیئت علمی مورد نیاز، اجرای دوره‌های مشترک آموزشی و انجام همکاری‌های تحقیقاتی در چارچوب مدیریت‌های منطقه‌ای ابراز داشتند و بازنگری و اصلاح مقررات آموزشی موجود، با رویکرد روان سازی و واگذاری اختیار، و تدوین و ارائه شیوه نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم برای تسهیل برقراری ارتباط و همکاری علمی و آموزشی مشترک بین دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی را از جمله شرایط تحقق اینگونه همکاری‌ها برشمردند.

به گزارش روابط عمومی وزارت علوم، در بخش پایانی این بیانیه، شرکت کنندگان در همایش با تقدیر و تکریم طراحان و دست‌اندرکاران استقرار سامانه آموزش عالی (HES) اظهار امیدواری کردند که این سامانه بتواند تسهیل‌گر دسترسی به آمار و اطلاعات موثق و صحیح دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور، برای مخاطبان باشد.

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه
تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بیانیه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با مقولات دانشجویی استقبال می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir ارسال نمایند. بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار متون ارسالی، آزاد است.

در پشت صحنه چه خبر است؟!

فشار جریانات خاص برای انتخاب وزیر علوم!

با به صدا درآمدن زنگ پایان انتخابات ریاست جمهوری و همزمان با مسجل شدن پیروزی دکتر روحانی در این عرصه و انتخاب وی به عنوان رئیس‌جمهور دوازدهم، گمانه‌زنی رسانه‌ها و تحلیل‌گران سیاسی در رابطه با نحوه چینش کابینه دولت دوازدهم آغاز شد و فعالین جناح‌های مختلف سیاسی به پیش‌بینی وزرای احتمالی دولت پرداختند. گروه‌های نفوذ و فشار نیز هریک به سهم‌خواهی از دولت آینده مشغول شدند و عده‌ای نیز چون اصلاح‌طلبان با علنی کردن این سهم‌خواهی‌ها سعی خود را در تحت فشار قراردادن رئیس دولت به نمایش گذاشته و از آن به عنوان نوعی تاکتیک، جهت به‌دست آوردن کرسی‌های مسئولیتی بیشتر تمسک جستند.

در این میان اهمیت انتخاب هر وزیر اقشار مختلف را متناسب با جایگاهی که در جامعه داشتند، به واکنش وا می‌داشت و آنها را در مسیر کنشگری مستقیم و یا حداقل دنبال‌کننده تمام‌عیار قرار می‌داد. در واقع افراد و جریانات به تناسب جایگاه خود و به منظور بهره بیشتر از مزایای پیروزی در انتخابات، نسبت به انتخاب وزرای پیشنهاد واکنش نشان می‌دادند.

از قضا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هم از این امر مستثنی نبود و شاهد بودیم که پیکره نیمه جان آموزش عالی کشور چگونه در برخی موارد به محلی برای نزاع‌های متعدد سیاسی تبدیل می‌شد و این جدال‌های جناحی فارغ از منفعت‌ها یا مضراتی که متوجه دانشجویان و اساتید و به طور کلی دانشگاهیان می‌کرد، صرفا محل تنازع برای کسب قدرت بود و نه آنچه تحت عنوان «مصلحت دانشگاه» از آن یاد می‌شود.

با تفاسیری که در سطرهای گذشته رفت، سر و صدا و کشمکش در رابطه با آینده اصلی‌ترین سازمان علمی کشور، بدیهی‌ترین مسئله‌ای است که می‌توان از آن به عنوان حواشی انتخاب اولین وزیر علوم دولت دوازدهم یاد کرد و به بررسی جوانب مختلف آن پرداخت.

به واسطه پایگاه نسبتا گسترده‌تری که روحانی نسبت به کاندیداهای رقیب در دانشگاه‌ها داشت، طبیعتا معرفی وزیر جدید علوم با حرف و حدیث‌های فراوانی همراه می‌شد و برای اینکه روحانی بتواند از میان تمامی این حرف و حدیث‌ها سلامت به بیرون بیاید و بدون اینکه از مواضع خود کوتاه بیاید، پاسخگوی مطالبات حامیانش و همچنین عامه مردم در حوزه دانشگاه باشد، نیاز به اتخاذ راهبردی همه پسند بود که البته در عمل کمی غیر ممکن بنظر می‌رسید. به عبارت بهتر منطقا بعید بنظر می‌آمد که بتوان طی راهبردی همه پسند رضایت برخی عناصر تندرو وابسته به بعضی جناح‌های سیاسی داخل کشور را به‌دست آورد. در واقع اساسا رضایت برخی گروه‌ها جلب نمی‌شود مگر به واسطه انتخاب شخصی نسبتا سیاست زده که به دانشگاه به منزله اهرمی برای پیش بردن مناسک سیاسی و حزبی بنگرد نه موتور محرکه پیشرفت و اقتدار.

تاخیر در معرفی وزیر به مجلس در آستانه شروع سال تحصیلی برای ارگانی که زعامت دانشگاه‌های کشور را به عهده دارد چندان مطلوب ارزیابی نمی‌شود چراکه این تاخیر آثار مخرب متعددی از جمله عدم انسجام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح وزارتخانه را به همراه دارد.

با وارد شدن به مراحل پایانیِ گمانه‌زنی‌ها برای تصدی وزارتخانه‌ها توسط‌اشخاص مختلف، بسیاری از پیش‌بینی‌هایی که در حیطه وزارت علوم انجام می‌شد، در عمل نیز به وقوع پیوست و با نهایی شدن نام وزیر علوم احتمالی کابینه دوازدهم موجی از فشارها به سمت روحانی و بعضی‌اشخاص نزدیک به وی روانه شد و در حالیکه معرفی خاکی صدیق به عنوان گزینه نهایی جهت معرفی به مجلس مسجل شده بود، برخی از طیف‌های اصلاح‌طلبان اقدام به طرح کنش‌های سازمان یافته مجازی کردند و با استفاده از هشتگ واحد «وزارت فرمایشی» مشی دولت در انتخاب وزیر علوم آینده را به چالش کشیدند و آن را پشت کردن روحانی به مطالبات اصلاح‌طلبان تفسیر کردند و سرانجام این فشارها منجر به انصراف خاکی صدیق از حضور در کابینه شد.

ماجرای پر فراز و نشیب این روزهای وزارت علوم منحصر در دولت دوازدهم نمی‌شود و می‌توان در دولت قبلی نیز اداره این وزارت‌خانه توسط سرپرست را شرح رنجی دانست که برای مدت نه‌چندان کوتاهی متوجه ساختار آموزش عالی بود و جعفر توفیقی و محمدعلی نجفی هریک چند ماه مسئول اداره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان سرپرست بودند. قائله‌ای که گویی در این دولت نیز دامنه‌دار خواهد بود و تنها به فاصله حدود یک ماه به آغاز سال تحصیلی جدید حتی وزیر پیشنهادی علوم دولت دوازدهم نیز به مجلس شورای اسلامی معرفی نشده است.

از سوی دیگر، گمانه زنی‌هایی مبنی بر بازگشت دولت به گزینه‌هایی همچون «رضا فرجی دانا» برای تصدی وزارت علوم در دولت دوازدهم نیز مطرح است. در عین حال همزمان با این گمانه‌زنی‌ها، کمپین‌های خلق‌الساعه مجازی متشکل از اساتید و دانشجویان نیز به شکل قارچ گونه در حال رویش هستند که گزینه مدنظر و مطلوب خود را وزیر پیشتر استیضاح شده معرفی می‌کنند.

در همین راستا شاید مروری بر اصل ۸۹ قانون اساسی بتواند در همین راستا گره از مشکل سهم‌خواهی برخی گروه‌ها از رئیس‌جمهور بگشاید.

طبق اصل ۸۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزیری که استیضاح می‌شود و نمی‌تواند از نمایندگان رای اعتماد بگیرد، نمی‌تواند در هیئت دولت بعدی حضور داشته باشد.

در عین حال، به تصریح محمود واعظی مسئول دفتر رئیس دولت دوازدهم، این وزارتخانه تا اطلاع ثانوی با سرپرست اداره می‌شود.

فرهادی وزیر فعلی نیز در مصاحبه با ایسنا بر این ادعا صحه گذاشت و مدعی شد که تا معرفی وزیر جدید، یکی از مقامات ارشد فعلی وزارت علوم بر کرسی سرپرستی این نهاد تکیه خواهد زد.

نقل قولی نیز از محمدباقر نوبخت منتشر شد مبنی بر اینکه شاید دولت نتواند در مدت کوتاهی وزیر علوم را معرفی کند.

همه اینها در حالی است که حسینعلی امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور گفته بود: مراسم تحلیف که برگزار شود رئیس‌جمهوری دو هفته وقت دارد که اسامی وزرا را به مجلس پیشنهاد کند تا مجلس کارها را ادامه دهد.

به گزارش خبرنامه دانشجویان؛ در این میان یک تخلف قانونی هم ممکن است صورت بگیرد؛ مطابق اصل هشتاد و هفتم قانون اساسی «رئیس‌جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز درباره مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند». با توجه به تاکید قانون به اینکه پیش از هر اقدامی باید «هیئت وزیران» رای اعتماد بگیرد، انتصاب هر فردی به عنوان سرپرست، اقدامی غیر قانونی است. در واقع سرپرست هنگامی می‌تواند معرفی شود که وزیر پیشنهادی نتواند اعتماد مجلس را کسب کند.

این تاخیر در معرفی وزیر به مجلس در آستانه شروع سال تحصیلی برای ارگانی که زعامت دانشگاه‌های کشور را به عهده دارد چندان مطلوب ارزیابی نمی‌شود چرا که این تاخیر آثار مخرب متعددی از جمله عدم انسجام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح وزارت‌خانه را به همراه دارد و این عدم انسجام می‌تواند تبدیل به پاشنه‌آشیلی برای دانشگاه و دانشگاهیان شود.

حال باید دید که سرنوشت این وزارتخانه چه خواهد شد؟ آیا همچنان فشارهای جریان خاص موجب بلاتکلیف ماندن مدیریت آن می‌شود؟

دیدگاه دانشجویی

هزینه‌های سازش فرصت‌های چالش

از دیرباز در روابط بین‌الملل نظریات متعددی برای شناخت نحوه رفتار بازیگران دولتی ارائه شده است، از نظریات واقع‌گرایانه گرفته تا نظریات سازه‌انگارانه. نظریات تصمیم‌گیری در سیاست‌خارجی و روابط بین‌الملل که بر «انتخاب عقلانی» تأکید می‌کنند، مسائل مربوط به «هزینه- فایده» را در حوزه سیاست‌خارجی مورد توجه قرار می‌دهند. نظریه انتخاب عقلانی که به دنبال افزایش کارایی و به حداکثر رساندن مطلوبیت برای یک بازیگر است، بر اساس محاسبه هزینه- فایده تنظیم شده است و به عبارتی فرد را در سیستم ارزیابی «از دست داده‌ها» در مقابل «به‌دست آورده‌ها»، یا به زبان ساده‌تر، «داده‌ها» در برابر «ستانده‌ها» قرار می‌دهد.[1] تمام بازیگران در عرصه بین‌المللی در این نظام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند.[2] بسیاری از کشورها این رهیافت را در سیاست خارجی خود پی می‌گیرند و بر اساس آن نگاهشان به مراودات بین‌المللی و توافقنامه‌های بین‌المللی نیز بر همین اساس شکل می‌گیرد، لذا «رفتار بازیگران از عقلانیت خاصی ناشی می‌شود که هدفش تأمین منافع ملی بر حسب قدرت است.»[3]

برای مثال هرچند بسیاری از کارشناسان خروج دونالد ترامپ و آمریکا از پیمان تی.پی.پی (یا همان ترانس پاسیفیک) را مغایر با «اصول همزیستی بین‌المللی» می‌دانند، اما ترامپ خروج از آن را با «فایده حداکثری» برای کشورش تعریف می‌کند. هم از این‌رو، اگرچه بسیاری رفتار ترامپ در خروج از پیمان آب و هوایی پاریس را «مأیوس‌کننده» (آنتونیو گوترش؛ دبیرکل سازمان ملل)، «مایه تأسف» (باراک اوباما؛ رئیس‌جمهور قبلی آمریکا)، «خطایی جدی» (ژان کلود یونکر؛ رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا)، «اقدامی احمقانه» (جری براون؛ فرماندار کالیفرنیا)،[4] «خطایی شرم‌آور» و «اشتباهی بزرگ» (لوران فابیوس رئیس‌فعلی شورای قانون اساسی فرانسه و رئیس‌سابق کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در پاریس)[5] و... می‌دانند، اما او بر آن است که «این معاهده به ضرر مردم آمریکا است و هزینه‌های بالایی برای کشور در پی داشته است.»[6] وی همچنین اظهار داشته که این معاهده برای آمریکا «غیرمنصفانه» است و همچنین بیان داشته است که «معاهده پاریس سبب از بین بردن فرصت‌های شغلی بسیاری در آمریکا شده است و این چیزی نیست که ما به آن نیاز داریم.»[7]

نمونه دیگر رفتار انگلیس در خروج از اتحادیه اروپا است، علی‌رغم هزینه‌های چالش اقدام انگلیس در خروج از اتحادیه، اما انگلیسی‌ها برای تحصیل منافع ملی بیشتر دست به این اقدام زده‌اند. به‌رغم واکنش‌های منفی که برخی از آنها عبارت بودند از «بهت‌آور و ناامیدکننده و ناراحت‌کننده» (فیلیپ هاموند، وزیر خارجه وقت انگلیس و دیوید کامرون نخست‌وزیر وقت انگلیس)،[8] «هشدار دهنده» (فرانک والتراشتاین مایر، وزیر خارجه وقت و رئیس‌جمهور آلمان)[9] و ... اما انگلیسی‌ها در جریان همه‌پرسی تصور کردند منافع ملی آنها با خروج از اتحادیه اروپا بیشتر تأمین می‌شود.

نه سازش
نه تسلیم

*** اندیشکده صهیونیستی «بگین -سادات» در گزارشی می‌نویسد: «این ایران است که دست بالا را در امور سوریه دارد زیرا اسد هنوز در قدرت است و این بدان مفهوم است که ایران از نفوذ خود در دمشق استفاد کرده است.»**

آنها معتقد بودند که نباید هزینه‌هایی را که اتحادیه اروپا می‌پردازد، به کشورشان سرایت کند. به اعتقاد طرفداران خروج، هرچند این موضوع ممکن است چالش‌هایی برای کشور داشته باشد اما انگلستان مستقل، از نفوذ بین‌المللی بیشتری برخوردار خواهد بود.

با این حال، منطق جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل و سیاست‌خارجی، واقع‌گرایی موجود نیست چرا که این منطق با گفتمان انقلاب اسلامی متفاوت است. برای مثال در نظام اسلامی به دست آوردن منافع مادی، به معنای نادیده گرفتن سایر منافع ملی غیرمادی نیست. چه بسا در جمهوری اسلامی در بسیاری از مواقع موضوعی چون «عزت و استقلال ملی» مهم‌تر از منافع زودگذر مادی باشد. این موضوع البته در سال‌های اخیر، به عنوان یکی از بحث‌های مهم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. برای مثال، نظریه‌پردازانی چون «ریچارد ند لیبو»، در «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل»، این موضوع را تئوریزه کرده‌اند که انگیزه بازیگران در روابط بین‌الملل صرفا منفعت‌جویی و امنیت‌جویی نیست.[10]

منطق جمهوری اسلامی در سیاست‌خارجی، نه واقع‌گرایی، که «واقع‌بینی» است. واقع‌بینی یعنی «شناختن درست و همه‌جانبه واقعیات و تلاش برای انطباق آنها به سوی آرمان‌ها». مطابق این تعریف، اولا واقعیات صرفا «منافع مادی» نیستند و عناصری از جمله «عزت»، «امنیت»، «استقلال» و... که در حقیقت عناصر سازنده هویت ملی است را نیز در بر می‌گیرند. ثانیا آرمان‌ها در حیطه «امر چالش برانگیز نیز تعریف می‌شوند.» به عنوان نمونه مسئله فلسطین جزو آرمان‌های تعطیل‌ناپذیر و البته چالشی ایران است اما با توجه به دو اصل مذکور، رویکرد جمهوری اسلامی مغایر با منافع ملی کشور نیست. به سخن دیگر، هرچند دفاع ایران در موضوع فلسطین، «علی‌الظاهر» ممکن است چالش‌هایی برای منافع ملی ایران داشته باشد، اما هزینه‌های سازش ایران در موضوع فلسطین به‌مراتب بیشتر از هزینه‌های به چالش کشیدن‌اشغالگری قدس است. از سویی دیگر، خود این چالش، فرصت‌های عدیده‌ای برای کشور به وجود آورده است که یکی از آنها، افزایش «عمق راهبردی» ایران در قلب ملت‌های مسلمان و آزادیخواه جهان است.

مثال دیگر مذاکرات هسته‌ای است، بیش از یک دهه است که ایالات متحده، به بهانه‌های واهی، بر روی فناوری هسته‌ای ایران حساس شده و همان را بهانه‌ای برای اعمال تحریم علیه کشور کرده است. این چالش، گرچه در بطن خود دارای فرصت‌هایی برای کشور (به شرط ترمیم ساختارهای دولت و تغییر نوع نگاه مسئولین با توجه به شرایط جدید) بود، با این حال، تصمیم گرفته شد با تعامل و انجام مذاکرات با رویکرد جدید در دولت یازدهم، تحریم‌ها و موانع حاصل از آن برداشته شود. اما نه تنها این تعامل و سازش جدید موجب برداشته شدن تحریم‌ها نشد، که خود گویا عاملی شد برای اعمال فشار و تحریم بیشتر. در این‌باره، باید به تحریم‌هایی که دولت اوباما در دوره بعد از توافق علیه ایران وضع کرد اشاره‌ای داشت. مثلا «باراک اوباما در فرمانی، دستور اجرایی ۱۲۹۵۷ را که بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۹۵، برای تشدید تحریم‌ها علیه صنعت نفت ایران صادر کرده بود، یک سال دیگر تمدید کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در متن این فرمان گفته است که بعضی اقدامات و سیاست‌های دولت ایران همچنان تهدیدی فوق‌العاده و غیرمعمول برای امنیت ملی، سیاست‌خارجی و اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود. اوباما می‌گوید به‌همین دلیل تصمیم گرفته که وضعیت فوق‌العاده ملی علیه ایران را با هدف اعمال تحریم‌هایی مشخص در واکنش به تهدیدهای این کشور تمدید کند.»[11] در همین راستا وزارت خزانه‌داری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۵بهمن ۱۳۹۵، ۲۵ شخصیت حقیقی و حقوقی ایران را به بهانه انجام آزمایش موشکی به فهرست تحریم‌های آمریکا علیه ایران افزود. اقدامی که حتی موجب اعتراض بسیاری از کشورها از جمله چین شد.[12]

در مثالی دیگر، می‌توان به تحولات منطقه و حضور ایران در سوریه و لبنان اشاره کرد. حضوری که موجب دست برتر ایران در منطقه و جهان شده است به طوری‌که اندیشکده صهیونیستی «بگین -سادات» در گزارشی می‌نویسد: «این عرصه موقعیت مبهمی را برای برندگان و بازندگان ایجاد می‌کند اما این ایران است که دست بالا را در امور سوریه دارد زیرا اسد هنوز در قدرت است و این بدان مفهوم است که ایران از نفوذ خود در دمشق استفاد کرده است. دمشق نیز کماکان محور اصلی به سوی بیروت است، مکانی‌که حزب‌الله لبنان، عامل نبردهای نیابتی ایران حضور مؤثر قدرتمندی دارد.» با این حال اما عده‌ای معتقد بودند که ایران نباید در سوریه ایفای نقش کند و بحران سوریه نیز راه‌حل سیاسی دارد نه نظامی. رهبر انقلاب اما از همان ابتدا اگرچه تأکید داشتند که می‌بایست خواست مردم و آنچه نتیجه انتخابات و رأی مردم سوریه است مبنای اقدامات قرار بگیرد اما با توجه به حمایت‌های مالی و نظامی آمریکا و عمال منطقه‌ای او و از گروه‌های تروریستی در سوریه، معتقد بودند که اگر ایران در سوریه و عراق با تروریسم مقابله نکند، باید در خیابان‌های تهران و اصفهان با آن مقابله کند. این روزها که حادثه تروریستی تهران منجر به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از هم‌وطنان عزیزمان شد، بهتر از گذشته می‌توان فهمید که هزینه چالش سوریه، به مراتب کمتر از هزینه سازش است. چه آنکه تروریسم همین بیخ گوش ماست.

---

* پی‌نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است.

***رضا رحمتی**
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل

جوابیه دانشگاه آزاد به یک خبر

دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران در واکنش به مطلب «کارشکنی در امور دانشجویان به بهانه تعطیلات تابستانی» که در بخش «تریبون آزاد» صفحه دانشگاه روزنامه کیهان در مورخ ۱۱ مرداد ۹۶ منتشر شده بود، جوابیه‌ای را به شرح زیر صادر نموده است:

«فرض و نگرانی اصلی خبر که تمام حواشی پیرامون آن بر این اساس شکل گرفته است، از اساس کذب می‌باشد؛ زیرا واحد علوم تحقیقات در راستای عمل به بخشنامه سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی در خصوص تعطیلات تابستانی در تیرماه و مردادماه از یک طرف و نیز تاکید بر انجام سریع و به موقع امور دانشجویان عزیز از طرف دیگر، و براساس مجوزی که از سازمان مرکزی گرفت، مقرر نمود تا کلیه بخش‌ها از جمله کتابخانه، آزمایشگاه‌ها و شوراهای واحد که برگزاری آن در تسریع امور دانشجویان موثر است فعال باشند و همکاران محترم به تدریج از تعطیلات استفاده نمایند. لذا اصل خبر تعطیلی واحد در این ایام تکذیب می‌گردد و یادآوری می‌شود واحد اصلا تعطیل نبوده تا تعطیلات تاثیری بر برگزاری جلسات شورای پژوهش دانشکده داشته باشد.

در عین حال یادآوری می‌شود که اولین جلسه شورای پژوهشی دانشکده فنی مهندسی در مردادماه به تاریخ ۹ مرداد ۹۶ تشکیل و در آن ۲۶ مورد پروپزال مورد بررسی قرار گرفت و ۵ مورد دیگر با توجه به کاستی‌های آن، جهت بررسی دقیق‌تر و تکمیل نواقص به گروه تخصصی عودت داده شد.

به جز ۶ مورد پروپزال، قدیمی‌ترین تاریخ تصویب پروپزال در شورای پژوهشی دانشکده فنی و مهندسی به تاریخ ۱۹ تیر ۹۶ بازمی گردد. لذا تاریخ تصویب پروپزال‌های گروه همگی در محدوده زمانی قانونی خود قرار داشته است. در ۶ مورد دیگر نیز شورا تصمیم گرفت، چنانچه تاریخ ثبت الکترونیکی آنها به گونه‌ای باشد که بازه یک ماه سپری نشده باشد، موارد جزو پروپزال‌های مصوب قلمداد گردند.

در پایان ضمن دعوت به رعایت قوانین و پرهیز از هرگونه شتابزدگی، انتظار می‌رود همگان با همدلی و صداقت کامل در بیان و کمک به رفع مشکلات احتمالی کوشا باشیم.»

*** ضمن تشکر از احساس وظیفه مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی مبنی بر صدور جوابیه، اما لازم به ذکر است، جدای از اینکه متن جوابیه، خود به اصل وجود تعطیلات در دوماهه نخست تابستان اقرار نموده است؛ با توجه به اینکه تحقیقات درباره موثق بودن و صحت اخبار و گزارش‌های واصله، از جمله اصول اولیه و بدیهیات عرصه خبر و روزنامه‌نگاری است، لذا خبرنگار کیهان پس از تماس با مسئولین واحد علوم تحقیقات و عدم دریافت پاسخ درخور از ایشان، و ایضاً اخذ مستندات کافی و متقن از منبع خبر، اقدام به انتشار مطلب مذکور نمود که به دلیل پرهیز از ادامه مناقشه، از انتشار سایر مستندات خودداری می‌شود.**

هشدار نسبت به نابودی علوم انسانی در مدارس کشور!

هر ساله اعلام رتبه‌های داوطلبان کنکور در جرگه پربازدیدترین‌های فضای رسانه‌ای کشور قرار می‌گیرد و رسانه‌های سیاسی و غیرسیاسی آن را در معرض توجهات ویژه خود قرار می‌دهند و از زوایای متعدد به بررسی کنکور و جوانب آن می‌پردازند. همین پرداخت‌های رسانه‌ای به مقوله کنکور نیز در کنار عوامل دیگر باعث اهمیت دو چندان کنکور برای خانواده‌ها شده است.

این پیگیری‌های کنکور توسط مردم، در خانواده‌های ایرانی نیز زمینه افزایش اهمیت کنکور در میان نوجوانان و جوانان را فراهم کرده است و شاهدیم که کنکور به عنوان اصلی‌ترین عامل موفقیت دانش‌آموزان روز به روز جایگاه رفیع‌تری می‌یابد؛ که البته بسیاری از کارشناسان مسائل آموزشی ترسیم چنین جایگاهی را برای کنکور، کاذب خوانده و ادامه چنین وضعیتی را به ضرر ساختار آموزشی کشور توصیف می‌کنند.

چند سالی است که در میان مسائل مربوط به کنکور، حواشی مربوط به تعداد داوطلبین کنکور گروه ادبیات و علوم انسانی و همچنین وضعیت رتبه‌های برتر این گروه مباحث زیادی مطرح می‌شود و با توجه به نکاتی که در رابطه با ماهیت علوم انسانی در داخل کشور مطرح است، تحلیل ابعادی که متوجه کنکور انسانی است در ردیف مباحثی قرار می‌گیرد که حرف و حدیث‌های بسیاری را با خود به همراه دارد.

اما آنچه که در این گزارش مدنظر است نگاهی دقیق، در نسبت مدارس تخصصی علوم انسانی با میزان کسب رتبه‌های برتر از سوی داوطلبین کنکور ادبیات و علوم انسانی است تا مشخص شود که جایگاه این مدارس تخصصی در کجای پازل چند تکه ماراتن کنکور است.

نگاه بدون پیش داوری به رتبه‌های برتر کنکور گروه علوم انسانی در چند سال اخیر، از واقعیتی پرده برمی‌دارد که این واقعیت برگرفته از تصورات جامعه از رشته‌های خانواده علوم انسانی است. نگاهی که موجب شده است تا خانواده‌ها تصور کنند، علوم انسانی در جایگاهی نازل‌تر نسبت به ریاضی و علوم تجربی قرار گرفته است. البته ریشه این نگاه را می توان در پرداخت مسئولین آموزشی کشور نسبت به این رشته دانست. در واقع گسترش این نگاه که نخبه بودن در انجام یک اختراع و یا اکتشاف خلاصه می‌شود و عمدتا دانش آموزان رشته ریاضی و فیزیک و علوم تجربی مورد تقدیر قرار می گیرند، باعث شده تا توجه چندانی به دانش‌آموزان علوم انسانی نشود. تطبیق مشاهدات عینی در این زمینه با آن چیزی که امروز در دانشگاه‌ها و در رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی وجود دارد نیز، وضعیت نگران‌کننده ساختار این رشته‌ها را روایت می‌کند.

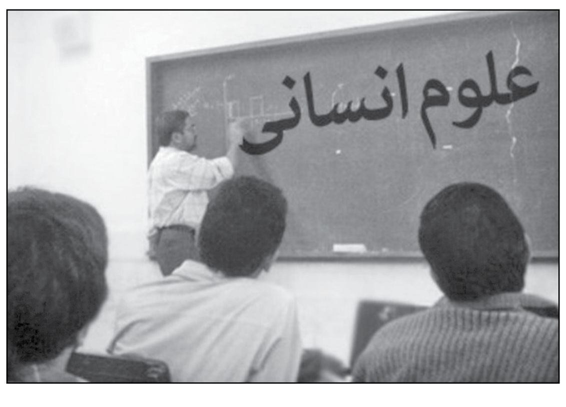

*** بدیهی است که تحقق شرایط ناعادلانه تحصیلی و آموزشی در کلیه رقابت‌های کنکور علی‌الخصوص در کنکور انسانی افزایش روزافزون اختلاف سطوح پایتخت‌نشینان و سایرین را به دنبال دارد و باعث نابودی علوم انسانی در کشور می‌شود.**

برای فهم بهتر این مسئله شاید بد نباشد که به شرح یک بعد از ابعادی که آینده علوم انسانی در کشور را در معرض خطر قرار داده است، بپردازیم.

نگاه به رتبه‌های برتر کنکور انسانی در چند سال اخیر به وضوح بیانگر این است که اغلب رتبه‌های ۱ تا ۱۰ این آزمون به دانش‌آموزان تهرانی اختصاص دارد. برخلاف سال‌های گذشته که برتری تهرانی‌ها نسبت به سایر استان‌ها، در اکثر گروه‌ها به چشم می‌خورد، اما امسال این مسئله فقط در گروه علوم انسانی دیده شد. پررنگ بودن این سبقت تهرانی‌ها از شهرستانی‌ها در کسب رتبه‌های برتر کنکور است و این وضعیت مشخصا در کنکور ۹۶ نیز خودش را نشان داد. جایی که تنها از میان ده نفر اول کنکور گروه علوم انسانی ۷ نفر تهرانی و ۳ نفر باقی مانده شهرستانی‌اند.

تحلیل علل چرایی وقوع این پدیده با مشاهده وضعیت دبیرستان‌های علوم انسانی سراسر کشور به راحتی قابل ارائه است و می‌توان با در دست داشتن حداقل اطلاعات از این مدارس، دریافت که علت سبقت دانش‌آموزان تهرانی در بدو امر چیست.

چند سالی است که ایجاد مدارس تخصصی علوم انسانی، با امکانات آموزشی مناسب و اساتید مجرب در دستور کار تهرانی‌ها قرار گرفته و بسیاری از کارشناسان این حوزه و یا بسیاری از فعالین سیاسی، اقدام به تاسیس مدارس دولتی و غیر انتفاعی مختص علوم انسانی کرده‌اند. مدارسی که عمدتا به فیلتر دانش‌آموزان می‌پردازند و ویژه‌نگری در برخورد با این دانش‌آموزان به عنوان جزو لایتغیر این مدارس نهادینه شده است؛ مسئله‌ای که با شهریه‌های بسیار بالا، برای یک سال تحصیلی همراه می‌شود و موجب شده تا عملا عامه مردم نتوانند به این مدارس دسترسی داشته باشند.

بدیهی است که در چنین حالتی و با تمسک به شهریه‌های بالا، امکانات و آموزش‌های ویژه در انحصار این داوطلبین کنکور قرار می‌گیرد و دیگر شرایط رقابت برابر به رویای دانش‌آموزانی تبدیل می‌شود که نه تمکن مالی استفاده از چنین امکاناتی را دارند و نه اساسا چنین مدارسی در شهر محل زندگی آن‌ها وجود دارد.

این مدارس تخصصی موجود در شهر تهران از لحاظ میزان امکانات پیشرفته آموزشی و تفریحی، از چنان جایگاهی برخوردارند که حتی اغلب مدارس نمونه دولتی و استعدادهای درخشان نیز کمتر می‌توانند از حیث دارایی این امکانات، در مقابل مدارس تهرانی‌های خاص عرض اندام کنند.

با یک پژوهش میدانی ساده می‌توان اختلاف سطحی که در بین خروجی مدارس سایر استان‌ها با تهران وجود دارد را به نمایش گذاشت و برای تحقق این امر کافی است در این روزها که نتایج اولیه کنکور اعلام شده، سری به این مدارس زد و دید که کدام دبیرستان‌ها فهرست بلندبالای رتبه‌های برتر خود را بنر کرده‌اند و با نصب در مقابل درب این مدارس اسامی آن‌ها را در معرض دیدگان شهروندان قرار داده‌اند تا بلکه خانواده متمکن دیگری مجاب به ثبت‌نام فرزند خود در این مدارس خاص شود.

بدیهی است که تحقق چنین شرایط ناعادلانه‌ای در کلیه رقابت‌های کنکور علی الخصوص در کنکور انسانی افزایش روزافزون اختلاف سطوح پایتخت نشینان و سایرین را به دنبال دارد. به عبارت بهتر می‌توان ادعا کرد که تجمیع این مدارس تخصصی علوم انسانی خاص با شرایط مالی بسیار خاص‌تر، می‌تواند آینده علوم انسانی کشور را در وضعیتی بحران‌زده تر قرار دهد. چراکه سالانه بسیاری از استعدادهایی که شاید می‌توانستند در کسوت دانشمند علوم انسانی ظاهر شوند، به واسطه سکونت در شهرستان‌هایی غیر از تهران از دستیابی به امکانات ویژه محروم می‌شوند و آن طور که باید و شاید موفق به کسب استعدادهای خود نشوند.